

مدلهای نقدینگی

در مدیریت مالی صنعت برق
(بخش اول)
دکتر حسین عبده تبریزی (۱)

مدیریت صندوق

مدیریت صندوق ((۱)) بخشی از مدیریت مالی است که مدل‌های صندوق یا مدل سازی صندوق ((۲)) را بررسی می‌کند. به عبارت دیگر، چگونگی بهینه‌سازی موجودی صندوق و کارآکردن اداره صندوق، موضوعاتی است که در بحث مدیریت صندوق به آنها پرداخته می‌شود.

پیش تر باید توجه داشت که حوزه مدیریت مالی، موضوعی متفاوت از حوزه حسابداری است، حسابداری از دیدگاه نظریه سیستم، علمی است که وظیفه آن جمع‌آوری و پردازش اطلاعات مالی است. سیستم حسابداری کیفیت اطلاعات مالی را بالا برده و نتیجه را در اختیار مدیر مالی قرار می‌دهد، اما مدیر مالی در فرآیند پردازش اطلاعات مالی نقشی ندارد. اگر چه حسابدار زیر نظر مدیر مالی کار می‌کند (در ایران و اکثر کشورهای جهان نیز این چنین است) اما نتیجه کار هر یک، در دو حوزه کاملاً مختلف به ثمر می‌نشیند. مدیریت مالی به طور اعم بخشی از اقتصاد و به طور اخص بخشی از نظریه بنگاه‌های اقتصادی ((۳)) است که زیر مجموعه اقتصاد خرد است. برای مثال، یکی از جنبه‌های مدیریت مالی که زمینه و اساس بحث مدل‌های نقدینگی نیز محسوب می‌شود، مدیریت وجوه است.

در واقع، وجوه می‌باید با کارایی بسیار زیادی به گردش درآید. وجوه زیاد یا کم، هر دو به مفهوم عدم کارایی است، کمبود وجه به معنای آن است که کاری انجام نخواهد شد و وجوه زیادی به معنای ضایعات است. برای مثال، از دیگر فعالیت‌های حوزه مدیریت مالی می‌توان دفاع از قیمت سهام شرکت در مقابل بانک‌های سرمایه‌گذار، کنترل جریان‌های ورودی و خروجی نقدی در شرکتها، صدور اوراق مشارکت یا سهام به منظور اجرای طرح‌های شرکت نام برد که این فعالیت‌ها ارتباطی با حوزه حسابداری ندارد.

بنابر این موضوع این بحث در چارچوب مدیریت مالی صنعت برق است و نه حسابداری آن. اگر تشابهات و ابهاماتی در این زمینه وجود دارد، دلیل آن وضعیت بازار سرمایه کشور در سال‌های گذشته می‌باشد. سیاست صنعت برق آن است که با کاسته شدن سهم آن از بودجه دولت، به سمت بازار سرمایه حرکت کند. قطع وابستگی از بودجه دولت به عنوان منبع تامین مالی، موجب شده که صنعت برق در اندیشه استفاده از منابع تامین مالی دیگر باشد. بدین لحاظ است که به تدریج مقوله تامین مالی ((۴))، اساس کار مدیران مالی صنعت برق شده است. اینجاست که ماهیت اصلی مدیریت مالی بروز می‌کند. اکنون شاهد تاسیس شرکت‌های سرمایه‌گذاری هستیم و بحث انتشار اوراق مشارکت، رواج پیدا کرده است.

باید توجه داشت، هنوز بازار سرمایه ایران در مراحل اولیه است و مقوله مدیریت مالی دو تا سه سال است که شکل واقعی خود را نشان داده است. صنعت برق نیز به سمت بازار مالی و استفاده از امکانات آن حرکت می‌کند. لذا، وظیفه مدیریت مالی با وضوح بیشتری به تدریج از حسابداری جدا می‌شود.

در این مقاله به مدیریت صندوق به عنوان بخشی خاص از مبحث سرمایه در گردش در مدیریت مالی، پرداخته خواهد شد. منظور از صندوق، نقدینگی موجود نزد شرکت، به علاوه سپرده‌های جاری موجود در بانک است. مدل‌هایی که به آن اشاره خواهد شد، باید پاسخگویی نحوه اداره صندوق باشد. هدف آن است که مدیریت صندوق در داخل سازمان بهینه گردد. معمولاً در بخش‌های مختلف نظام اقتصادی حاکم بر جامعه عدم کارایی مدیریت صندوق مشاهده می‌شود. مثلاً، وقتی به شعبه یک بانک مراجعه می‌شود، ممکن است در آن شعبه پول نقد جهت پرداخت به مراجعه کننده موجود نباشد. طبیعتاً از این مجرا به اعتبار بانک لطمه وارد می‌شود، و معلوم است آن بانک بر روی جریان‌های ورودی و خروجی صندوق، چه با مدل‌های ساده و چه با مدل‌های جدید، مطالعه و بررسی نکرده است. واضح است که این نوع اداره کردن با عدم کارایی همراه است و مدیر وظایفی را که مدیریت صندوق برعهده او گذاشته، به درستی انجام نمی‌دهد. اینکه جریان‌های نقدی بانک مورد نظر پیش بینی شود و از مدل‌های پیشرفته استفاده گردد، نوع دیگر برخورد با موضوع است. اگر سیستمی طراحی گردد که احتمال نبودن موجودی وجه نقد را در یک شعبه و همین طور احتمال اینکه یک شعبه نزدیک به شعبه دیگر هر دو پول نداشته باشند، (یعنی بحث احتمال شرطی و احتمال مشترک به میان آید) را بررسی کند، و نیز سیستمی طراحی شود که بتواند نقدینگی لازم را با توجه به احتمالات ممکن تشخیص دهد، در آن صورت مدیریت بهتری بر صندوق اعمال خواهد شد. این مدل به مسایل فصلی، پرداخت‌های عمده و مسأله انتقال پول توجه داشت. تمام این موارد به مدل سازی صندوق مربوط است. همین موضوع عیناً در مدیریت وجوه نقد در شرکت‌های وابسته به صنعت برق نیز مطرح است.

دلایل نگهداری نقدینه

سازمانها به دلایل زیر نقدینه نگهداری می‌کنند:

۱- انگیزه معاملاتی ((۵))

هر شرکت به طور روزمره پرداخت‌ها و دریافت‌هایی دارد و معاملات انجام می‌دهد. این معاملات دلایلی دارد که شرکت را ناچار به نگهداری وجوه نقد می‌کند تا بتواند نسبت به پرداخت هزینه فعالیت‌های جاری خود اقدام کند. این نیازها، نیازهای معاملاتی است که از طبیعت معامله ناشی می‌شود. نوع فعالیت در مؤسسه‌ای مانند یک سوپر مارکت، مستلزم داشتن گردش زیادی از نقدینگی است. در مقابل، فعالیت‌هایی که در ارتباط اداری با مردم نیست ایجاد نمی‌کند که سطح نقدینه، و درصد آن به کل دارایی بالا باشد.

۲- انگیزه جبرانی ((۶))

انگیزه‌ای است که از نیاز به پرداخت بدهیها ناشی می‌شود و به تعبیر دیگر، ذخیره جبران و بازپرداخت بدهیهاست.

۳- انگیزه احتیاطی ((۷))

انگیزه‌ای است که به منظور تامین مخارج ضروری و مقابله با حوادث غیر مترقبه و انتظارات غیر قابل پیش‌بینی ایجاد می‌شود.

۴- انگیزه سودخواهی و سفته بازی ((۸))

به این معنی است که مقداری نقدینه برای استفاده از فرصتهای سودآور در دسترس باشد، به طوری که بتوان آن را به درستی سرمایه‌گذاری کرد.

همزمانی جریانهای نقدی

آنچه در این گونه موارد اهمیت عمده‌ای دارد، مسأله همزمان کردن جریانهای نقدی است. بوجه نقدی ((۹))، ابزار اصلی مدیر بخش صندوق است. نظام نقدینگی شرکت باید طوری طراحی شود که دریافتها و پرداختها بر هم منطبق باشند. طراحی یاد شده باید به گونه‌ای باشد که بتوان سطح موجودی صندوق را در داخل سازمان تا حد امکان پایین آورد. نگهداری وجوه اضافی، مفهومی جز هدر رفتن و ضایعات ندارد. به طور مثال، اگر نرخ تورم بیش از ۵۰٪ باشد نگهداری وجه نقد به معنی از بین بردن بیش از ۵۰٪ قدرت خرید است. در چنین شرایطی، مدیر دائماً در فکر به حداقل رساندن مانده صندوق است.

در حال حاضر، تحول از مدیریت دولتی به غیر دولتی در حال تسری یافتن به کلیه بخشهای صنعت برق است. آنچه از مدیران صنعت برق انتظار می‌رود کارآیی بنگاه اقتصادی است. کارآیی مورد نظر، مدیریت صندوقی را طلب می‌کند که در عین داشتن حداقل موجودی نقدی، بتواند کلیه انگیزه‌های نگهداری نقدینه گفته شده را برآورده سازد. در صنعت برق نیز لازم است نظام خاصی طراحی شود که طبق آن، وجوه انتقالی بین واحدها، مشمول پرداخت هزینه گردد. از این رو، انگیزه مدیران برای انتقال وجوه بین شرکت‌های صنعت برق افزایش خواهد یافت. مدیران برای آنکه بتوانند از ذخیره وجوه نقدی خود به بهترین وجه استفاده کنند و از خسارتهای ناشی از نگهداری نقدینه مازاد، در امان بمانند، کلیه کوشش خود را برای اجتناب از نگهداری وجوه اضافی در داخل سازمان به کار خواهند گرفت. بدیهی است هماهنگی و همزمان کردن جریانهای نقدی ورودی و خروجی، از ابزارهای مهم و اساسی مدیریت صندوق و مدیریت وجوه نقدی در داخل شرکت است.

سطح بهینه موجودی صندوق

همان طور که گفته شد براساس انگیزه‌های نگهداری نقدینه باید مقداری موجودی نقد در صندوق به منظور انگیزه‌های معاملاتی، احتیاطی، جبرانی، و سودخواهی و سفته‌بازی نگهداری شود. برای محاسبه رقمی جهت حساب صندوق، نمی‌توان چهار نوع موجودی یاد شده را با هم جمع‌جبری نمود، لذا مسأله قدری پیچیده‌تر می‌باشد. از این رو، شناخت مدل‌های صندوق مورد نیاز است. البته مدل راهنماست و اتخاذ تصمیم نهایی بر عهده مدیر خواهد بود. این مدل‌ها را باید براساس انگیزه‌های یاد شده و براساس نیازهای شرکت شناسایی کرد. همچنین از فعالیت‌های صورت گرفته در زمینه بهبود و سازماندهی مدیریت صندوق در سطح جهان و نتایج آن، آگاه شد.

این موضوع بحثی است که امروزه در هر سازمانی، حتی با حجم نقدینگی زیاد مانند صنعت برق، بلافاصله قابل پیاده‌شدن و استفاده است. به عبارت دیگر، این موضوع، کاربردی بسیار وسیع و فوری دارد. ارقامی که در صنعت برق تحت سرفصل مطالبات وجود دارد، بیانگر آن است که چنانچه این مطالبات سریع‌تر وصول شود، امکان بالقوه عظیمی در داخل شرکت فعال می‌گردد، تا خریدها، با توجه به نرخ بالای تورم، زودتر انجام گیرد. اگر مجموعه صرفه‌جوییها محاسبه گردد، منافع عمده آن مشخص می‌شود. واقعیت آن است که باید فعالیتها بر محاسبات دقیق مبتنی باشد. صرفه‌جویی‌هایی که در مانده‌های صندوق در طول سال انجام می‌گیرد، در نهایت صرفه‌جویی عظیمی برای صنعت برق و برای کل جامعه در پی خواهد داشت.

موضوعی که باید در این جا مطرح شود آن است که چگونه مانده‌های صندوق هدف ((۱۰)) تعیین می‌گردد؟ مانده مورد نظر صندوق یا مانده مطلوب صندوق شرکت چیست؟ باید دانست چه مانده‌ای در داخل سازمان باید وجود داشته باشد.

باید توجه داشت در بسیاری از شرکتها، جمع مانده‌های معاملاتی و ذخیره احتیاطی، باید پاسخگویی تمام انگیزه‌های دیگر نیز باشد. روش کار به این صورت است که باید مانده‌های معاملاتی و ذخیره احتیاطی مورد نیاز محاسبه شود، این رقم چهار انگیزه بیان شده قبلی را برآورده خواهد نمود. در واقع این نقطه، حداقل مبلغ موجودی صندوق است، نقطه‌ای که شرکت در صورت کمبود موجودی نقد، وجوه نقد اضافی قرض می‌کند یا اوراق بهادار را می‌فروشد. این موضوع نشانگر آن است که مدیریت صندوق در کشورهای دیگر با مدیریت اوراق بهادار کوتاه مدت، همراه است، که در حال حاضر این نوع مدیریت در کشور ما وجود ندارد. اما پیش بینی می‌شود طرف سه‌الی چهار سال به آن خواهیم رسید. به عبارت دیگر، سپرده‌های سه یا چهار روزه ((۱۱)) برای اداره صندوق مطرح خواهد شد. در این هنگام است که کلیه ابزارهای مالی شناخته شده در بازار پول ((۱۲)) مطرح می‌گردد و مدیریت ارز نیز باموضوع ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین، ارتباط تنگاتنگی بین ابزارهای مالی بازار پول و مانده‌های صندوق وجود دارد. این ارتباط، به علت نبودن ابزارهای مالی لازم در ایران، برای برخی افراد در حال حاضر محسوس نیست. همان گونه که تا چند سال پیش اوراق مشارکت وجود نداشت اما اینک کاملاً شناخته شده است، ابزار مالی کوتاه مدت نیز می‌تواند در چارچوب نظام بانکداری بدون ربا طراحی شود.

برای روشن تر شدن بحث فرض کنید یکی از بانکها مقداری پول نزد بانک مرکزی سپرده کند، طبعاً در کوتاه مدت از مقداری سود نیز برخوردار می‌گردد. اگر بانک مورد نظر در مقاطعی به علت نیاز به پول تمایل به استفاده از سپرده مورد نظر را داشته باشد، می‌تواند آن را نزد بانک مرکزی نقد کند و از محل نقدینگی ایجاد شده، برای بازپرداخت بدهیهای خود استفاده کند. در مدل‌های صندوق فرض می‌شود که سرمایه‌گذاری کوتاه مدت وجود دارد، مانند سرمایه‌گذاریهای یک یا دو ماهه. در حال حاضر مقدمات این کار در بازار سرمایه کشور فراهم نیست، اما می‌توان مقدمات لازم را در داخل صنعت برق طراحی کرد. دست کم باید در داخل صنعت برق شرایطی فراهم شود که مدیر در صورت تمایل، بتواند وجوه اضافی شرکت خود را در اختیار شرکتی قرار دهد که بدان نیاز دارد.

مطلب دیگری که باید به آن اشاره کرد، هزینه نگهداری وجوه صندوق است. هزینه نگهداری وجوه صندوق هزینه فرصت از دست رفته است. هر چه مدت زمان و مبلغ نگهداری پول بیشتر باشد، فرصتهای از دست رفته بیشتر خواهد بود. این یک عنصر هزینه است که در شرایط تورمی، از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. عنصر دیگر، منافع استفاده از پول است که در نظام بانکداری بدون ربا فقط به شکل سود مطرح می‌باشد. در نهایت باید هزینه‌های وجوه بامناف آن مقایسه شود. منافع یاد شده عبارتند از، تخفیف‌هایی که می‌توان با سرعت بخشیدن به خریدها و حفظ موقعیت اعتباری به دست آورد، زیرا عدم وجود پول، مشکل اعتباری به دنبال خواهد داشت و بانکها حاضر به پرداخت وام نخواهند بود و از طرف دیگر تامین مالی از طریق نهادهای دیگر تامین سرمایه، مشکل می‌شود و از فرصتهای مناسب تجاری نمی‌توان استفاده کرد. به عنوان مثال، فرصتی پیش می‌آید که بتوان قطعه بدکی مناسب و ارزان خریداری کرد، اما به علت نداشتن پول، فرصت از دست می‌رود. فواید یاد شده را باید با هزینه‌های مربوطه مطابقت داد و به نقطه تعادلی دست یافت. نقطه تعادلی که بتوان از آن به عنوان حداقل موجودی صندوق یاد کرد.

حداقل موجودی صندوق یکی از دو حالت زیر را دارد:

۱- مانده‌های معاملاتی به علاوه مانده‌های احتیاطی.

۲- مانده جبرانی مورد درخواست که از آن به تقاضای جبرانی ((۱۳)) تعبیر می‌شود.

هر کدام از دو مانده یاد شده که بزرگتر باشد، مانده صندوق را تعیین می‌کند.

حال باید بررسی کرد که چه عواملی موجودی صندوق را کاهش می‌دهد. همزمان کردن دریافتها و پرداختها، و به تعبیر دیگر، ساختار زمانی یا الگوی رفتاری دریافتها و پرداختها می‌تواند موجب صرفه‌جویی در مانده صندوق گردد. اگر بتوان پرداختها را طوری برنامه‌ریزی کرد که با ساختار زمانی دریافتها مطابقت داشته باشد، طبعاً در همزمان کردن دریافتها و پرداختها به صورت جریانهای نقدي ((۱۴)) موفقیت حاصل شده است.

کاربرد بودجه نقدي در برنامه‌ریزی ساختار زمانی دریافتها و پرداختها، موضوع قابل تعمقی است. بدیهی است تفاوت بسیاری بین مدیریت برنامه‌ریزی شده و مدیریت برنامه‌ریزی نشده صندوق، وجود دارد. چنانچه مدیران مالی برای انجام پرداختها هیچ گونه برنامه‌ای نداشته و همواره در پی تامین پول بدون برنامه قبلی باشند، به اعتبار آن صنعت لطمه وارد خواهد شد. اگر پرداختها به تعویق افتد، مطمئناً عرضه کنندگان کالا و خدمات، هزینه دیرکرد پرداختهای قبلی را در بهای کالاها و خدمات آتی ملحوظ می‌کنند.

اگر دریافتها و پرداختها به طرز صحیح همزمان نشود، و از ابزارهای مطلوب استفاده به عمل نیاید و اگر مشکلات را به‌پشعور متعارف ((۱۵)) واگذار کرده و این اعتقاد باشد که با تجربه می‌توان مسایل را حل کرد، در آن صورت واضح است که مشکل به وجود خواهد آمد.

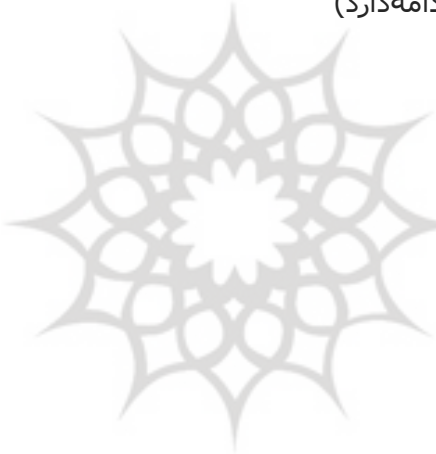
چرخه نقدي در صنعت توزیع برق و شیوه‌های بهبود بخشیدن به آن

اولین عامل مؤثر بر سطح موجودی صندوق، همزمان کردن جریانهای نقدي است که به آن اشاره شد. دومین عامل، تسریع در جمع‌آوری وصولیها و دریافت وجوه نقد است که در صنعت برق و در سطح شرکتها توزیع نیرو اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. فرآیند جمع‌آوری وصولیها و دریافت وجوه نقد در شرکت توزیع، بدین صورت است که فرم کامپیوتری را در اختیار کنتور خوان قرار می‌دهند. کنتور خوان، کنتور را می‌خواند و مقدار مصرف را ثبت می‌کند. سپس فرمها را به طریق دستی یا از طریق شبکه به شرکت توزیع عودت می‌دهد. در داخل سازمان، حدود ده روز فرصت لازم است تا اطلاعات به صورت دستی یا از طریق شبکه وارد کامپیوتر اصلی شود و صورتحسابها تهیه گردد.

صورت‌حسابها به صورت‌دستی یا از طریق پست به مشترکین تحویل داده می‌شود. مدت زمان تحویل صورت‌حسابها به مشترکین، متغیر است و از روند ثابتی تبعیت نمی‌کند. مشترکین، صورت‌حساب را ظرف مهلت پانزده روز به بانک پرداخت می‌کنند. شرکت برق صورت‌حسابها را طی چهارده روز از شبکه بانکی گردآوری می‌کند، و اطلاعات مربوط به صورت‌حسابهای پرداخت شده را ظرف دو روز در قالب مبالغ دریافتی به صورت دسته‌ای ((۱۶)) وارد کامپیوتر می‌سازد. درآمدهای گزارش شده توسط کامپیوتر اصلی با صورت‌حسابهای ماهانه بانکی مطابقت داده می‌شود که انجام دادن این کار حدود دو روز طول می‌کشد. نمودار ۱ فرایند بیان شده را نشان می‌دهد.

حال اگر مانده‌های صندوق کاهش یابد، در آن صورت باید به جمع‌آوری وصولیهای نقدی سرعت داده شود. لازمه این سرعت، کوتاه کردن فرایند مذکور است. مفهوم کوتاه کردن فرایند به این مفهوم نیست که مهلت پرداخت صورت‌حساب برق مصرفی مشترکین ۲۸ ساعت باشد، بلکه موضوع به بخش عملیات حسابداری و مدیریت صندوق مربوط می‌شود، و این امر جز با افزایش کارآیی میسر نیست. البته، مدیران ارشد صنعت برق واقف هستند که کوتاه کردن زمان در این فرایند، بدون انجام مطالعات لازم، امکان‌پذیر نیست.

موضوع دیگر سیستم اعتبارات در حساب جاری است که هنوز در سیستم بانکداری اسلامی طراحی نشده است. این سیستم، به مقوله مدیریت صندوق و کاهش مانده آن کمک می‌کند، و در نظام بانکداری قبل از انقلاب وجود داشت. همان طور که قبلاً اشاره شد، در تعیین مانده صندوق هدف یا مانده صندوق بهینه با استفاده از مدل‌های صندوق، منظور برقراری تعادل ((۱۷)) بین دو مقوله هزینه فرصت نگهداری ناشی از مازاد پول و هزینه معاملاتی ناشی از کمبود پول است. مدیریت صندوق، ایجاد تعادلی است که در عین اجتناب از تقبل هزینه‌های غیرضروری، از پذیرش زیانهای کم پولی نیز برحذر باشد. (ادامه دارد)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه امام جعفر صادق (ع)

۲- Cash management

۳- Cash modeling

۴- Theory of the firm

۵- Financing

۶- Transaction purpose

۷- Compensation purpose

۸- Precautionary purpose

۹- Speculative purpose

۱۰- Cash budget

۱۱- Target Cash balance

۱۲- Over night deposit

۱۳- Money market

۱۴- Compensation demand

۱۵- Cash flows

۱۶- Common sense

۱۷- Batch

۱۸- Trade - off

۱۹- Economic order quantity

۲۰- Baumol Model

